

## بخش نهم: دوران بعد از وزارت

حالا بفرمایید بعد از این که کنار گذاشته شدید چه اتفاقاتی افتاد و شما چه اقدامی انجام دادید؟

آقای خسروانی بلافاصله تمام معاونین وزارت کشور را که هر کدام از لایقترین کارکنان دولت بودند و در کار خود تبحر داشتند، برکنار کرد و به جای آنها افرادی را که برای کسب مقام به حزب ایران نوین پیوسته بودند به کار گمارد. و یکی از این افراد را که کارمند وزارت دارایی بوده و در خبثت و پرونده سازی نظیر نداشت به سمت معاون امور شهرداری ها منصوب نمود و این شخص علناً اعلام می کرد که به دنبال جمع آوری مدارک علیه من و دکتر شهمیرزادی است که قبلاً سمت معاون امور شهرداری ها را داشت و از طرف من منصوب شده بود. متنها خوشبختانه هر چه جستجو کردند که مورد جرمی پیدا کنند کمتر پیدا کردند و از این بابت تیرشان به سنگ خورد. ولی من که از نحوه پرونده سازی علیه اشخاص اطلاع داشتم تا مدت زیادی نگران پرونده سازی علیه خودم و کسانی بودم که در چند سال گذشته با صداقت و امانت خدمت کرده و حالا فقط به علت همکاری با من مورد سوء ظن وزیر جدید و دشمنی پادوهای ایشان در حزب ایران نوین قرار گرفته بودند و پیش بینی می کردم که هرگاه در تهران باشم خواهی نخواهی عده ای از کارکنان و همکاران من در وزارت کشور برای حفظ دوستی و احوالپرسی و یا به دلایل مختلف به من مراجعه خواهند کرد و احتمال دارد عده ای این تماسها را حمل بر دسیسه ای علیه مسؤولین جدید وزارتخانه تلقی کنند و مزاحم آنها شوند. لذا پس از چند روز از تهران خارج شدم و به منزل یکی از بستگانم در رامسر رفتم و برای سرگرمی، ساختمان خانه کوچکی را در قطعه زمینی که به قرار متری سی ریال از اداره املاک خریداری کرده بودم، شروع کردم و فقط چند روز یک بار برای دیدن خانواده و امور شخصی به تهران می آمدم. البته در این مدت دوستان چندین ساله من چه در تمام شئون دولتی در تهران و شهرستانها و چه در بخش خصوصی از هیچ گونه اظهار محبت به من و خانواده ام کوتاهی نکردند و در اینجا وظیفه خود می دانم که از تمام آنها صمیمانه سپاسگزاری کنم. و بخصوص از دوست عزیز و بزرگوام شادروان مهندس خلیل طالقانی که چندین سال به عنوان معاون، افتخار خدمت در زیر دست او را داشتم باید نام ببرم زیرا این مرد شریف و پاکدامن به محض برکنار

شدن من، به منزل ما آمد و پس از اظهار محبت و عنایت با اصرار زیاد به من قبولاند که تا زمانی که مصدر کار دیگری نشده‌ام همه ماهه به‌عنوان وام کلیه حقوق و مزایایی را که برای وزرا تعیین کرده بودند به حساب من واریز نماید تا تغییری در زندگی شخصی من اتفاق نیفتد و این قرار تا نه ماه بعد که من به‌عنوان قائم مقام والا حضرت اشرف در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منصوب شدم، ادامه یافت. این بزرگواری و محبت تا لحظه آخر عمر در نظرم باقی خواهد ماند. به هر حال چون زمان بیکاری من به‌درازا کشید تصمیم داشتم چنانچه این وضع بیش از یک سال به‌طول انجامید فعالیتی را در بخش خصوصی شروع کنم. چندین پیشنهاد نیز در ظرف این مدت از طرف کسانی که با آنها آشنایی داشتم به من شده بود حتی یکی از این افراد پیشنهاد کرد که کلیه فعالیتهای ساختمانی و تجارתי خود را که در حجم بزرگی بود در اختیار من بگذارد و حقوقی معادل سه‌برابر حقوق وزرا و ده درصد از سود فعالیت‌ها را به من بپردازد ولی من تمام این پیشنهادات را با اظهار تشکر رد کردم و در نظر داشتم اگر لازم باشد، شخصاً کاری را شروع کنم.